

حسین استاد ولی

## لغزشگاه‌های

ترجمه  
قرآن کریم

## ۱. ضرورت ترجمه قرآن

روزگاری بود که ترجمه قرآن کریم، به زبانهای دیگر، از نظر برخی ممنوعیت شرعی داشت و وجوهی بر این حکم ذکر می کردند که پایه اساسی نداشت و پاسخ همه آنها روشن بود این نظریه عکس العمل تندی در برداشت که آن هم با حفظ اساس قرآن و شریعت سازگار نبود و آن فتوای برخی از دانشمندان اهل سنت به جواز ترجمه قرآن کریم بلکه خواندن نماز به زبانهای بیگانه بود. بی شک، این افراط و تفریط ناسنجیده بود و از این روی، هیچ کدام دوام نیافت. زیرا:

برای هدایت بشر تا پایان روز تکلیف فرو فرستاده شده است، و این کتاب، هرچند که مخاطبان نخستین آن عرب زبان بوده اند، ولی رسالت و پیام آن منحصر به هیچ قوم و زبان و مکانی نیست و این کتاب مقدس در آیات چندی رسالت عمومی و جهانی خود را اعلام داشته است. و چون کتاب جهانی است می بایست پیام آن در همه اعصار به گوش مردم جهان برسد. و این ابلاغ به دو صورت ممکن خواهد بود:

۱. مردم را دعوت کند که زبان آن را بیاموزند تا پیام آن را دریافت دارند.

۲. بر پیروان خود الزام نماید تا پیام آن را به زبانهای گوناگون به گوش جهانیان برسانند.

از سویی قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان، آخرین کتاب آسمانی است که

بدیهی است که صورت اول نمی تواند جنبه عمومی داشته باشد، و باگسترش روز افزون جمعیت جهانی و وجود انواع زبانها و لغات، معقول نیست که پیام آوری از مخاطبان خود بخواهد که زبان او را بیاموزند تا بفهمند او چه می گوید!! آیا معنای بلاغ مبین می تواند چنین چیزی باشد؟ از این روی ترجمه قرآن نه تنها روا می شود بلکه با گسترش جهان اسلام و تعداد مسلمانان ضروری نیز می نماید و شاید بتوان گفت: امروزه مخالفت جدی با این مسأله وجود ندارد.

از سوی دیگر، جواز انجام عبادات و ... به زبان بیگانه نیز اساس اسلام ناب و دست نخورده و حفاظت از دست آوردهای اسلامی و بنیان وحدت مسلمانان را به خطر می افکند. و به همین دلیل، با مخالفتهای جدی روبه رو گشت و آن نظریه ها ابطال پذیرفت<sup>۱</sup>.

## ۲. خطیر بودن ترجمه قرآن

اهمیت و حساسیت ترجمه هر متنی، به میزان اهمیت و حساسیت متن مورد ترجمه فزونی می یابد. و با توجه به این نکته، روشن است که چه موانع بزرگی بر سر راه ترجمه قرآن کریم کمین کرده است که از جمله آنها می توان، صحت ابلاغ پیام به

زبان ترجمه را نام برد. و این کار، زمانی میسر است که مترجم از ویژگیهایی برخوردار باشد. البته هیچ مترجمی مدعی نیست که می تواند همه مزایای کلام الهی را در ترجمه خود به خواننده و شنونده انتقال دهد، ولی باید بتواند صحت ابلاغ را تضمین نماید و ادعا کند مراد الهی را به مخاطب خود القاء نموده است. برای اساس، در کتابها و مقاله های گوناگون، به طور تفصیل شرایط مترجم و ویژگیهای یک ترجمه خوب مذکور آمده که تکرار آنها ضروری به نظر نمی رسد<sup>۲</sup>.

## ۳. ضعف های ترجمه ها

با توجه به نکته فوق، درباره ترجمه هایی که تا کنون ارائه گردیده باید گفت: علی رغم کوششهای توانفرسایی که در راه خلق آنها به کار رفته، ضعفهای گوناگونی وجود دارد که می توان آنها را ناشی از عوامل زیر دانست:

- الف. پابندی شدید به حفظ امانت در ترجمه و خروج از روش.
- ب. تقید به روانی و سلاست عبارت و عدم تعهد به حفظ متن.
- ج. دست نیافتن به واژه هایی معادل و مناسب، یا عدم تقید به پارسی نویسی و پارسی گوئی.

ترجمه «فأصبحوا لا يرى إلا مساكنهم» .

«آن که قرآن را بر تو بیانیده است»

، در ترجمه «ان الذي فرض عليك

القرآن» . «بیاماریده است»، در ترجمه

«احصاهم»

در این مورد، به ذکر یک داستان اکتفا

می شود:

گویند: مردی دهاتی، در بین دو نماز

نزد عالمی رفت تا از او مسأله ای بپرسد .

پرسید: گوسفند را با چه شرایطی باید

سر برید تا حلال شود؟

عالم گفت: اگر او داج اربعه اش قطع

شود محکوم به حلیت است!

مرد دهاتی سری تکان داد و برخاست .

دوستانش از او پرسیدند: مسأله را

پرسیدی؟

گفت: آقا مشغول خواندن تعقیب بود

و جواب مرا نگفت!

بند د: این مورد نمونه های فراوان

دارد .

در آیات: «دلّیهما» به «دلّیها» ترجمه

شده و «ماأدریکم» به «ماأدریکم» و

«لتعلمن» به «لتعلمن» و «سنقرئک» به

«سنقرأ علیک» و . . .

در احادیث: «والعرفاء الخونة» که

جمع عریف است، به معنای «خبرگزاران

خائن»، به «عارفان خائن» و «المجتهد

د . ضعف آگاهی مترجم از زبان مبدأ .

ه . ضعف آگاهی مترجم از زبان

مقصد .

و . ضعف آگاهی مترجم از موضوع

مورد ترجمه .

ز . غفلت و سهو و بد خوانی برخی

کلمات و ویراسته نشدن ترجمه، توسط

چیره دستی دیگر .

عوامل فوق بی آن که استقصا شده

باشد سبب پیدایش اغلاط فراوان و احیاناً

اشتباهات فاحش و موحشی در ترجمه های

موجود گردیده است .

البته این موارد، تنها مربوط به ترجمه

قرآن کریم نیست، بلکه در ترجمه احادیث

و کتابهای روایی نیز رخ داده است .

۴ . نمونه هایی چند از ضعفها و غلطها

نمونه ای از بند الف: در این مسورد

می توان از ترجمه های تحت اللفظی نام

برد: «بودند که می کردند» در ترجمه «كانوا

یفعلون» .

«آن که خلق کرد پس راست کرد»،

در ترجمه «الذی خلق

فسوی» . . .

بند ب: در پایان خواهد آمد .

بند ج: «و صبح کردند در حالی که

دیده نمی شد جز نشیمنگاهشان» در

نهج البلاغه علی (ع). در این کتاب، مطالبی به چشم می خورد که هیچ رابطه ای با کلام امام (ع) ندارد. برای نمونه: در بخش حکمتها آورده است:

«چشمان شما کلید عفاف شما باشد. و این کلید را اگر به نامحرم واگذارید، گنج عفت خویش را از دست داده اید»<sup>۴</sup>.

شاید در این معنا، عبارتی بهتر، زیباتر و رساتر از عبارت فوق نشاید گفت، که حامل پیامی بسیار عالی و ارزنده در زمینه مسائل اخلاقی - جنسی است. ولی اکنون به متن حدیث و ترجمه دقیق و مفهوم واقعی آن توجه فرمایید:

«العین و کاء السنه»

«چشم بند نشیمنگاه است».

ظاهراً این سخن را حضرت در علت باطل شدن وضو به سبب خواب، فرموده اند. منظور این است که چون آدمی به خواب رود، اختیار از کفش بیرون می شود و احیاناً حدیثی از او سر می زند که موجب بطلان وضو می گردد<sup>۵</sup>. مشاهده می شود که این دو موضوع هیچ ربطی به هم ندارد، هر چند که هر دو به جای خود صحیح اند.

۵. این مقاله با توجه به نکات فوق و حساسیت ترجمه قرآن کریم، بنابراین است

الجاهل» «نادان کوشای در عبادت» به «مجتهد جاهل» و «معاناة»، «زحمت و رنج» به «معاینه» «دیدن» ترجمه شده است.

بند هـ و بند و: این دو مورد شواهد فراوان دارد، ولی در این مقاله مورد بحث نیست و به مناسبت نمونه هایی خواهد آمد.

بند ز: «جَنَّةٌ» به «حَبَّةٌ» و . . .

در حدیث: «کَمَالٍ»، «مانند مالی» به «کَمَالٍ» «کمالی» ترجمه شده است.

بند ب: در این مورد می توان از ترجمه قرآن آقای محمد باقر بهبودی نام برد که نقدی از سوی این جانب بر آن نوشته شد و در مجله «مترجم» ویژه قرآن، به چاپ رسید.

در حدیث، تنها به یک نمونه اشاره می رود: ترجمه نهج البلاغه مرحوم جوادفاضل، ترجمه ای است که از فرط شیرینی و دلکشی و دارا بودن جنبه حماسی و عاطفی و شیوایی آن، به دست هر کس برسد آن را زمین نمی گذارد تا به پایان برساند. زیبایی قلم و روانی عبارات به حدی است که بی اختیار خواننده را جذب می کند، ولی آن قدر در این ترجمه توسع به کار رفته که به قول یکی از بزرگان، باید نهج البلاغه جوادفاضلش نامیدنه

لان تشبيه المنافقين بقوم أصابهم  
مطرفيه ظلمة ورعد و برق، لابنفس  
المطر...<sup>۷</sup>»

و سید مرتضی (ره) در ضمن سخن از  
کلمه «أو» گوید:

«... و ان شبهتموهم بأصحاب  
الصیب فجاز... و بعضهم يشبه  
اصحاب الصیب»<sup>۸</sup>.

بنابراین، ترجمه صحیح چنین است:  
«یا داستان [گرفتاران در] باران تندی است  
که...»

که مواردی که احياناً یا غالباً، در ترجمه پای  
مترجمین محترم لغزیده و یا امکان لغزش  
وجود دارد، و بیشتر به بند «د» و «و» و «ز»  
مربوط می شود، بدون ذکر نام کسی، بیان  
شود. باشد که در ترجمه های آینده مورد  
استفاده قرار گیرد و به صحت ابلاغ این  
رسالت الهی کمک شایانی گردد.

### ۶. ذکر یک نمونه

سوره بقره آیه ۱۸: «أو كصیب من  
السماء فيه ظلمات ورعد و برق...»  
در اغلب ترجمه ها چنین ترجمه شده:  
«یا مانند بارانی که...» در صورتی که  
مشبه به لفظ «صیب» نیست.

زمخشری گوید:

«المعنى: أو كمثل ذوی صیب، و  
المراد كمثل قوم أخذتهم السماء  
على هذه الصفة...»<sup>۵</sup>  
و شیخ طبرسی (ره) گوید:

«تقدیره: أو كأصحاب صیب،  
حذف المضاف و اقام المضاف الیه  
مقامه...»<sup>۶</sup>.

و ابوالبقاء عکبری گوید:

«فی الکلام حذف، تقدیره:  
أو كأصحاب صیب، والی هذا  
المحذوف يرجع الضمیر من قوله  
«يجعلون»، والمعنى على ذلك،

۱. ر. ک: مجله «مترجم»، ویژه مباحث ترجمه  
قرآن، سال سوم، شماره دهم، مقاله آقای رسول  
معمدی/ ۱۹۶-۱۹۶.

۲. ر. ک: همان.

۳. «سخنان علی (ع) از نهج البلاغه». جواد  
فاضل، قطع جیبی/ ۷۵۲.

۴. مرحوم سید رضی در «مجازات النبویه» این  
حدیث را بیان کرده است.

۵. «الکشاف» زمخشری، ج ۱/ ۲۰۹-۲۱۰  
دارالفکر.

۶. «مجمع البیان»، طبرسی، ج ۱/ ۵۷.

۷. «املاء مامن به الرحمن»، ج ۱/ ۲۲.

۸. «امالی»، سید مرتضی، ج ۲/ ۵۴-۵۵.